

## ماکسیم گورکی

بیست و پنج سال پیش، در تابستان ۱۹۳۶ میلادی گورکی برجسته ترین نویسنده عصر جدید روسیه و یکی از نویسندگان بزرگ تاریخ ادبیات آن کشور که عشق سرشاری به میهن و ملت خود داشت در سن ۶۸ سالگی در سرزمین زیبای ایتالیا، دیده از جهان پر بست.

شاید کمتر نویسنده‌ای را بتوان یافت که درباره نوشته‌ها و شخصیت و شیوه کارش اینقدر اختلاف نظر باشد. چه در موقع زندگی و چه پس از مرگش هر منتقدی می‌کوشید گورکی را وابسته به مکتبی و شیوه‌ای خاص معرفی کند. عده‌ای او را رئالیست، برخی او را رمانتیک، گروهی کمونیست محض و بعضی فقط نویسنده انسان دوستش می‌شمردند. آنچه مورد تأیید همه کسانی است که آثار او را خوانده و مطالعه کرده‌اند آنست که وی بی‌شک نویسنده‌ایست بزرگ و زبردست.

در کشور ما که آشنائی با نوشته‌های گورکی بیشتر در سالهای بین ۱۳۲۰ و ۱۳۳۰ آغاز شد متأسفانه و به رسم معمول این کار نیز سطحی و ناقص انجام گرفت. گورکی را در ایران بیشتر به عنوان نویسنده‌ای انقلابی، جسور، کستاخ و رام نشدنی می‌شناسند، و از آثار بسیار وی زمان مادر میراث، دوران کودکی، آرنامانوها ... و چند حکایت و داستان کوتاه و نمایشنامه که غالباً حال عصیان او را بهتر می‌نمایانند ترجمه و منتشر شده است که اتفاقاً جز معدودی بقیه از لحاظ هنری از بهترین نوشته‌های وی محسوب نمی‌شوند.

آلکسی ماکسیمویچ گورکی در نیمه دوم قرن نوزدهم در خانواده‌ای فقیر و پیشه‌ور به دنیا آمد و تقریباً در چهلمین سال قرن بیستم در کمال شهرت و محبوبیت زندگی را ترک گفت. در نوشته‌هایش بی‌شک تاریخ سیاسی و اجتماعی و تمدن روسیه دوران وی که بیشتر در حال انقلاب بوده منعکس شده است و تحولات گوناگون آن زمان به بهترین وجه توصیف گردیده است. گورکی چون زاده و بزرگ شده انقلاب بود شگفت نیست که آنرا مایه نجات کشور و ملت خود می‌دانست. و طبیعی است که از آن زیاد سخن راند و در دوره‌ای از زندگی خود که سخت تحت تأثیر مارکسیسم و توجیه کنندگان آن در روسیه واقع شده بود، انقلاب را به منتها درجه ستوده است. آنچه او در این دوره نگاشته، معمولاً هم زبان زد انقلابیان دو آتشه و هم دست آویزی برای مخالفان انقلاب بوده است. گروه اول او را سخنگوی هنرمند خود می‌خوانند و دسته دوم چونکه وی به مسائل اجتماعی و



سیاسی بیش از مسائل هنری محض توجه داشته است، نویسنده‌ای ضعیف و محدودش می‌شمرند. اما واقع امر آنست که گور کی هیچ يك از این دو نیست، وی مردی است هنرمند، شجاع امیدوار و خوشبین که احساساتی بیشمار و گاه متناقض قلبش را لبریز می‌کرده است رقت قلب، صمیمیت، صفای طبع و بزرگ منشی او خاصه برای کسانی که غالب نوشته‌هایش را خوانده‌اند بیش از هر چیز خیره‌کننده و جاذب است.

گور کی با آنکه از دوستان سران انقلاب و طرفدار انقلاب بود اما هرگز بنده عقاید و فرمان آنان نشد و آزادی فکر و گفتار خود را در مقابل همه حتی در برابر خود لنین حفظ کرد. دوستی او با مغزوبین سیاسی، عقاید وی در باره اهمیت طبقه تحصیل کرده (Intelligentsia) و نقشی که آنان در رهبری اجتماع دارند، بخصوص چون مخالف اندیشه و گفته‌های سیاستمداران آن روز بود، بهتر از هر چیز نمودار آزادگی اوست. کوشش خستگی‌ناپذیر وی در کمک به عقب‌ماندگان، مستمندان و بی‌پناهان هر دسته و گروه، و تلاش دائم او در گسترش دانش و هنر و تمدن در اجتماعی که از همه چیز محروم بود و یا تازه به راه افتاده بود، شك نیست که او را دوست داشتنی و شایسته احترام می‌نماید.

آخرین مجموعه آثار گور کی که در ۳۲ مجلد به چاپ رسیده است مشتمل بر افسانه‌ها و حکایت‌های کوتاه و بلند، رمان‌های متعدد، یادداشت‌های گوناگون بسیار جالب، نمایشنامه‌ها و مقاله‌های بسیاری است که برخی به سبک رمانتیزم و بعضی با دیده‌ی جسور واقع‌بینی درك و به شیوه‌ی رئالیزم نگاشته شده است.

گور کی از همان سال‌های اول نویسندگی در هر دو راه رمانتیزم و رئالیزم کام برداشت و زور آزمائی کرد. هر چند امیال و آرزوهای سرکش آرام‌ناپذیر او غالباً رمانتیک‌های قرن نوزدهم را به یاد می‌آورد اما واقع‌بینی او هم خیره‌کننده است، مهمترین نوشته‌های با ارزش او چون سه جلد شرح احوالش که به «گود کی» و «دوران پادوئی» و «دانشگاه‌های من» معروف‌اند، و رمان‌های «فوما کاردیف» و «آرتامانوها» و بیشتر بهترین داستان‌های دوره‌ی کمال خلافت وی با آنکه گاهگاه رنگی از رمانتیزم دارند اما بدون شك و به خصوص جنبه‌ی رئالیستی آنها قوی و خیره‌کننده است.

متأسفانه شرح و بحث در اطراف نوشته‌های بسیار گور کی کاری است که از حوصله این مقاله بیرون است و فرصتی زیاد می‌خواهد. آنچه باید درباره‌ی گور کی گفت و آنچه در واقع شخصیت و اهمیت وی را نشان می‌دهد، و او را از دیگر نویسندگان هم‌زمان خود ممتاز می‌دارد آنست که وی باچشمی نیز بین و قلبی حساس و جسارتی خاص خود تمام قراردادهای اجتماعی و ارزش‌های متداول آنها را از نزدیکاً سنجید و از لحاظ مختلف بررسی کرد و غالباً اصول و ارزش‌های سابق را در بوته‌ی آزمایش زندگی پوچ و ضعیف و خالی از حقیقت یافت. قهرمانان داستان‌های او که مردمی تازه، و رانده از اجتماع آن روزی بودند برای بنای زندگی بهتر و روشن‌تر، اول اصل‌های کهن را از هم پاشیدند و خراب کردند و سپس کم‌کم اصول و قرارداد‌های جدیدی مطرح ساختند. چه بسیار در نوشته‌های گور کی



ما «بدیهای» متداول را در پرتو نوری تازه با دقتی خاص می‌نگریم و آنها را خوب و زیبای می‌بینیم یا دست کم آنها را قابل قبول و بخشودنی می‌شماریم.

شکستن بت‌ها و اصول متداول چندین صد ساله و آوردن اصول و ارزشهای نو و آنها را به مردم نمودن و مردم را به آن‌ها مؤمن ساختن یکی از مهمترین کارهای گورکی است که فقط معدودی از نویسندگان زبر دست به آن دست زده و از عهد آن برآمده‌اند. در آغاز کار، هنگامی که گورکی سرگرم «ولگردان» خود بود، بی‌اعتنائی و عصبان او نسبت به اصول و آداب و رسمهای اجتماع چنان جلب توجه عموم را کرد و عده‌ای را تکان داد که حتی دوو گوئه (De Vogüé) از نویسندگان و انتقادکنندگان فرانسوی آن ایام که گورکی را یکی از سه نویسنده مشهور اروپای زمان خود می‌شمرد، نوشت: ولگردان گورکی هر قدر از نظر اخلاق و اصول بورژوازی کم ارزش باشد، به دیده خود او ارجمند، با حقیقت و عزیز می‌نمایند.

این ولگردان بی‌سر و بی‌پای، بی‌خانمان از همه جاراند؛ بی‌باک که اولین قهرمانان جالب گورکی بودند در آغاز جز عصبان و تهدید و خرابی، کفتی و ظیفه و هدفی نداشتند. اما کم‌کم یک نوع پختگی فکر و رفتار در آنان پدید آمد و آنان را به جستجوی خوشبختی عادلانه‌تر و پایدارتر وادار کرد.

در میان آن همه شعرهای زیبا و گفته‌های نویسنده‌گان بزرگ روسیه آن دوره که عموماً دعوت به شک و تردید و ناامیدی و رضا و تسلیم می‌کردند افسانه‌ها و داستانهای گورکی به تصدیق همه حتی نویسندگان هم‌زمان خود او، متشاء امید و نیروئی تازه شدند که وجدان خفته مردم را بیدار و توان‌زانی و نهائی آدمیزاد را آشکار می‌نمودند. با اینکه گورکی در همان روزها حکایت‌هایی جز داستانهای ولگردان هم می‌نوشت اما این داستانها که بایانی گستاخ و رنگ‌های قوی و آتشین نوشته می‌شدند چنان در کشور او و در خارج از آن مشهور گشتند که تا مدتی گورکی را داستان‌سرا و سخنگوی «ولگردان» و بی‌سروپاها دانستند. اما چنانکه گفته شد، بابتشرف‌ت دوران گورکی دست از این قهرمانان رماتیک زیبا و قوی برداشت و به مردم عادی و واقعی پرداخت.

از این دوره به بعد است که او در کمال واقع بینی و قدرت با ترمیم وضع اسفناک و خفه‌کننده سرزمین خود دل‌ها را به لرزه درمی‌آورد و ضمناً با آوردن قهرمانان خاص خود که در عین شکست، پیروزی نهائی آنان و مانند آنان مسلم است، نویدی از آینه بهتر می‌دهد. در خلال نوشته‌های سبک و سنگین گورکی چه بسا به حکایت‌های ساده و کوچکی برمی‌خوریم که کمال انسان‌شناسی نویسنده را ظاهر می‌سازد و او را روان‌شناسی تیزبین و دوستی همدرد و دلسوز معرفی می‌کند.

در تمام نوشته‌های گورکی بهر سبک و شیوه و رنگی باشد همه در واقع دو قهرمان اصلی و پیروز، گاه آشکارا و گاه نهائی به چشم می‌خورند. این دو قهرمان بی‌همتا یکی «انسان» است و دیگری «کار و فعالیت». قهرمان اولی، آن انسانی است که بالاتر از همه موهومات و آلودگیها و پستیهاست.





شروع گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی



انسانی است که احساسات گوناگون متناقض را به نور عقل راهنمایی می کند و پای بندبها و گرفتاریهای بیشمار را سرانجام با همان نور در هم می شکند و به پیش می رود. انسانی که جوهر وجود آدمیزاد است و آشتی دهنده عقل و احساس. انسانی که هر چه پیش آید باز قد راست می کند و همیشه به پیش می رود.

فهرمان دوم، یعنی کار و فعالیت دلخواه، به نظر گور کی همان اهرم و نقطه اتکالی است که ارشمیدس برای تکان دادن دنیا به آن محتاج بوده است. گور کی آن را مایه نجات و دلخوشی آدمیزاد و اجتماع می داند و در نوشته های خود صحنه های شگرف و خیره کننده ای از اثرشفا بخش آن را نمودار می سازد که هم در رمانهای رئالیستی او چون «فوما کاردیف» و «آر تامانووا» جلوه گری می کند و هم در افسانه ها و داستانهای چون «چلکش» و «افسانه های ایتالیایی».

امید است روزی، در آینده نزدیک مجموعه ای از بهترین نوشته های این مرد بزرگ به فارسی برگردانیده و منتشر گردد تا خوانندگان ایرانی او را تمام رخ و از هر لحاظ ببینند و بشناسند و خود بی واسطه و به درستی بتوانند درباره وی داوری کنند.

مهري آهي



پروژه نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

### طرح گور کی

طرح چیره گور کی که در این شماره به چاپ رسیده است کار نقاش جوان آقای «مبیزه» است، آقای مبیزه که استعدادی خاص در تصور کردن و استان دارند و نمونه های زیبایی از کار های ایشان در مطبوعات فارسی به چاپ رسیده است از شماره گذشته همکاری خود را با «سخن» شروع کرده اند. طرح چیره «همینگوی» که در شماره گذشته به چاپ رسید نیز کار ایشان بود.